

بهمناسبت قیام ملی ۲۸ مرداد

میگویند در مرداد ماه ۱۳۳۲؛ آمریکا و انگلیس وسازمانهای جاسوسی وابسته بآنها یعنی سی آی ا و اینتلجنت سرویس برای سرنگونی محمد مصدق از نخست وزیری برنامه ریزی کرده و بودجه گزافی را جهت اجرای این برنامه اختصاص داده بوده اند. راجع به صحت این امر؛ دلایل وشواهد زیادی اقامه مینمایند که مهمترین آنها اعتراف وزیر خارجه سابق آمریکا؛ وانتشار سندی از سوی سی آی ا میباشد.

ماهم بمنظور کوتاه شدن جرو بحث؛ تمام این مطالب را میپذیریم وتنها میپرسیم که این برنامه ریزی جهت بر کناری محمد مصدق از نخست وزیری چگونه بمرحله اجرا درآمده است؟ مسلما پاسخ این سنوال آن میباشد که:

۱- محمدرضا شاه پهلوی در روز ۲۲ مرداد ۱۳۳۲ به نحوی محرمانه فرمان عزل مصدق از نخست وزیری و انتصاب سرلشگر زاهدی به جای وی را صادر کرده است .

۲- سرهنگ نصیری فرمانده گارد شاهنشاهی در ساعت ۲ بعد از نیمه شب ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ بمنزل دکتر مصدق رفته؛ فرمان عزل وی رابه او ابلاغ کرده ورسید دریافت نماید؛ اماچند لحظه بعد بدستور مصدق بازداشت گردیده است .

۳- در همان نیمه شب افراد گارد سلطنتی؛ مهندس احمد زیرک زاده؛ مهندس جهانگیر حق شناس وزیر راه و حسین فاطمی وزیر امور خارجه را نیز بازداشت کرده بودند. اما بررسی تمام اسناد و شواهد تاریخی موجود و وقایعی که متعاقب بازداشت سرهنگ نصیری در ایران رخ داده است. هیچ تردیدی باقی نمیگذارد که با این بازداشت برنامه کودتای مورد نظر سی آی ا و اینتلجنت سرویس شکست خورده ونقطه پایان برآن گذاشته شده است. دقیقا معلوم نیست که هرگاه ابلاغ فرمان عزل دکتر مصدق از نخست وزیری با موفقیت بانجام رسیده بود؛ بموجب برنامه ای که نمایندگان سازمانهای جاسوسی مزبور در تنظیم آن شرکت داشته اند؛ چه اقداماتی قرار بوده است که در ایران بمرحله عمل درآید.

میگویند که بموجب برنامه کودتا تصمیم داشته اند که مصدق را در همان خانه اش تحت نظر قرار دهند و از ورود و خروج افراد به آن خانه جلوگیری بعمل آورند و متعاقبا حکومت نظامی در تهران و بسیاری از شهرهای بزرگ ایران برقرار سازند و تعدادی از طرفداران سرسخت مصدق و گردانندگان سرشناس و فعال حزب توده رایزداشت کنند و با شدت هرچه تمامتر هرگونه تظاهراتی بنفع مصدق را سرکوب سازند و نگذارند که واقعه سی ام تیرماه ۱۳۳۱ بار دیگر تجدید گردد. اما اقداماتی که متعاقب بازداشت سرهنگ نصیری از سوی مقامات دولتی و حزب توده در ایران بانجام رسیده و واقعه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را بوجود آورده است؛ هیچکدامشان طبق برنامه ایکه قبلا از سوی ماموران جاسوسی آمریکا و انگلیس تنظیم شده بود؛ نبوده بلکه همگی پس از خنثی شدن آن برنامه و در جهت برکناری محمدرضا شاه از پادشاهی وتقویت پایه های حکومت محمدمصدق؛ برای بعد از آن زمان بوده است .

ما ذیلا فهرست این اقدامات را از صفحات ۳۵۰ و ۳۵۱ جلد اول کتاب روز شمار تاریخ ایران تالیف باقر عاقلی عینا وبدون کوچکترین حذف و یا تغییری نقل مینماییم.

۲۵ مردادماه ۱۳۳۲- دولت طی اعلامیه ای وقوع یک کودتای نظامی وخنثی شدن آنرا اعلام نمود. شاه باتفاق ثریا از رامسر با هواپیمای اختصاصی به خلبانی سرگرد خاتم به بغداد رفت. دکتر فاطمی وزیر امور خارجه؛ بتمام سفرا و وزرای مختار و کارداران ایران در خارج اعلام کرد شاه از سلطنت مخلوع است ونباید مورد استقبال قرارگیرد. زاهدی توسط فرمانداری نظامی احضار شد. دکتر مصدق اعلامیه انحلال مجلس شورای ملی را انتشار داد. دکتر مظفر بقائی وعلی زهری و عده ای از نمایندگان غیر مستعفی مجلس بازداشت شدند.

عده زیادی از افسران باتهام مشارکت در کودتا بازداشت شدند. باتمانقلیح؛ نصیری؛ زند کریمی و اسکندر آزموده جزء بازداشت شدگان بودند. لشکرگارد دخلع سلاح شد.

شاه وارد بغداد شد وبطور غیررسمی از طرف ملک فیصل پذیرائی گردید. مظفر اعلم وزیر مختار در عراق؛ برخلاف توصیه نوری سعید نخست وزیر عراق از استقبال وملاقات شاه خودداری کرد. عکسهای شاه وثریا از ادارات و سازمانها جمع آوری گردید. مجسمه های محمد رضاشاه و رضاشاه در تهران و شهرستانها پانین کشیده شد. افراد حزب توده نام خیابانهای تهران راتغییر دادند. ابولقاسم امینی؛ کفیل وزارت دربار و سلیمان بهبودی رئیس تشریفات وهیراد؛ رئیس دفتر مخصوص و سایر درباریان

بازداشت شدند. دکتر فاطمی وزیر امور خارجه؛ کاخهای سلطنتی را مهروموم کرد. سرتیپ اسمعیل ریاحی رئیس ستاد ارتش طی مصاحبه ای از کودتا پرده برداشت و فرار شاه را استعفاء تلقی نمود. بعد از ظهر امروز متینگ بزرگی در میدان بهارستان درباره فرار شاه تشکیل شد. دکتر فاطمی در این میتینگ خواستار لغو نظام سلطنتی ایران شد. دکتر شایگان در همین گردهمایی گفت: "تحفه ای که میبایستی به تهران بیاید؛ به بغداد رفت." تمام روزنامه های حزب توده ایران خواستار لغو نظام سلطنتی شد. دکتر فاطمی در روزنامه باخترا امروز شدیدترین حملات را به شاه و خانواده سلطنتی نمود.

۲۶ مردادماه ۱۳۳۲ طبق دستور دکتر مصدق؛ ستاد ارتش طی بخشنامه ای نام شاه را از دعای صبحگاهی و شامگاهی حذف کرد. شاه و ثریا وارد رم شدند؛ نظام السلطان خواجه نوری وزیر مختار از استقبال شاه خود داری کرد. ابوالقاسم امینی وزیر دربار از زندان نامه تضرع آمیزی به مصدق نوشت و تقاضای استخلاص از زندان نمود. امینی در این نامه شاه را «پسر» خطاب کرده بود.

۲۷ مردادماه ۱۳۳۲ ابوالقاسم امینی وزیر دربار از زندان آزاد شد. جراند حزب توده خواستار برقراری جمهوری دموکراتیک شد. سرهنگ اشرفی فرمانداری نظامی؛ از کار برکنار شد و سرتیپ محمد دفتری جانشین او شد.

ما میدانیم که نه تنها چپ گرایان تندرو و بنیادگرایان اسلامی که هر دو گروه به سختی باملی گرائی مخالف هستند؛ بلکه حتی بسیاری از ملی گرایان نیز در حال حاضر به نحوی کینه توزانه و تعصب آمیز واقعه ۲۸ مرداد را حاصل برنامه ریزی های سازمانهای جاسوسی آمریکا و انگلیس میدانند. ولی هرگاه این افراد تعصب را کنار بگذارند و به نحوی بیطرفانه مرداد را حاصل برنامه ریزی های سازمانهای جاسوسی آمریکا و انگلیس میدانند. ولی هرگاه این افراد تعصب را کنار بگذارند و به نحوی بیطرفانه تندروییهای مصدق و تعدادی از طرفداران بلند پایه وی از قبیل حسین فاطمی وزیر امور خارجه و دکتر شایگان و نیز حزب توده ایران را در روزهای ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ مورد بررسی قرار دهند؛ متوجه خواهند شد که اقدامات مزبور به تنهایی نمیتوانسته است بزرگترین محرک جهت برانگیختن بسیاری از مردم ایران باشد که از کشانده شدن بی بازگشت ایران به پشت پرده آهنین؛ یعنی جرگه کشورهای کمونیست آن روزگار به رهبری روسیه شوروی؛ شدیداً به وحشت افتاده بودند. بدون تردید اکثریت عظیم این افراد؛ چاقوکش؛ رجاله؛ ارادل و اوپاش نیوده و نیز نیازی به تحریک و یا گرفتن اجازه و دستور و یا پول از سازمانهای جاسوسی آمریکا و انگلیس نداشته اند. مخصوصاً نظامیان ایران و فرماندهان آنان که در حمایتشان از شاه تردیدی نبود و در صورت رفتن ایران به پشت پرده آهنین از جان خود نیز بیمناک بودند. قبل از ختم این مبحث و برای تکمیل آن اخبار مربوط به ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را نیز از صفحه ۳۵۱ همان کتاب عیناً نقل مینمایم:

۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۲ - سرتیپ دفتری ریاست شهربانی را نیز بدست گرفت. از بامداد امروز تظاهرات در تهران تغییر شکل داد. نظامیان از فرمان نخست وزیر سرپیچی کردند. زد و خورد بین موافقین و مخالفان مصدق و شاه شدت گرفت. نظامیان با کامیون ها به نفع شاه شعار سردادند. بعد از ظهر امروز اداره رادیو به دست کودتاچیان (!؟) افتاد و فرمان نخست وزیری زاهدی از رادیو خوانده شد و سرلشگر زاهدی و میراشرافی سقوط حکومت مصدق را اعلام کردند. سرلشگر زاهدی شهربانی را مرکز کار خود قرارداد مخالفین مصدق و نظامیان به خانه او یورش بردند و بین محافظین منزل مصدق بفرماندهی سرهنگ ممتاز و مهاجمین زد و خورد مسلحانه آغاز شد. ساعتها این جنگ ادامه داشت و عده زیادی مقتول و مجروح شدند. سرانجام محافظین خانه مصدق تسلیم شدند. مصدق و یارانش به خانه های مجاور پناه بردند. در تهران حکومت نظامی برقرار شد و سرتیپ فرهاد دادستان به حکومت نظامی منصوب شد.

بنابراین آنچه که در بالا ذکر شد؛ بخوبی روشن میشود که هدفهای اصلی مردم از انجام تظاهرات در روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در تهران و بسیاری از شهرستانهای دیگر ایران؛ سرنگونی مصدق و برگرداندن شاه بوده و دیگر در آن زمان برایشان تفاوتی نداشته است که با برگشتن شاه فردی ارتشی بنام سرلشگر زاهدی به نخست وزیری برسد و یا فردی غیر نظامی با نامی دیگر. حال؛ همانطوریکه قبلاً گفته شد هرگاه سازمانهای جاسوسی آمریکا و انگلیس برنامه ای هم جهت برکناری مصدق از نخست وزیری و انتصاب سرلشگر زاهدی به جای وی داشته اند؛ آن برنامه در روز ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ توسط مصدق خنثی شده است و منتهای تعصب و کمال بی انصافی میباشد که با سرنگونی مصدق و نخست وزیر شدن سرلشگر زاهدی متعاقب تظاهرات مردم در روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲؛ تمام آن تظاهرات خود جوش ملی را بحساب برنامه خنثی شده مزبور بگذاریم.

از: مهدی شمشیری